

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۷۹۹ رده بندی کنگره: الف ۲۴/۸۸۰

مبانی قرآنی تحول در علوم انسانی از دیدگاه مقام معظم

رهبری و علامه مصباح یزدی (ره)

محمدهادی منصوری^۱

استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

محمدصادق اردلان

دانشجوی دکتری مدرسی معارف قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

چکیده

از ضرورت های عصر کنونی که مقام معظم رهبری مکرراً بر آن تأکید نموده، مسأله تحول در علوم انسانی است. از دیدگاه ایشان مبانی علوم انسانی اسلامی را باید در قرآن کریم جست و جو کرد. جامعیت قرآن کریم، پاسخگو بودن قرآن در مسائل جدید موضوعات مختلف و مرجعیت علمی قرآن کریم زیرساخت مناسبی برای تبیین مبانی قرآنی علوم انسانی اسلامی در حیطه قرآن کریم و علوم از منظر ایشان فراهم نموده است. علامه مصباح (ره) نیز با محوریت قرآن کریم، به کاوش در علوم انسانی پرداخته و به سؤالات بنیادینی مانند اینکه آیا قرآن کریم صرفاً کتابی ارزشی بوده و از علوم انسانی مورد نیاز بشر ساکت است یا اینکه در پاسخ به مسائل علوم انسانی نیز کاربرد دارد؟، پرداخته است. از دیدگاه علامه مصباح (ره) قرآن کریم غالباً کلیات و اصول علوم انسانی را مطرح نموده ولی مسائل جزئی تر، منوط به عقل انسان و مکان و زمان گردیده است. در این نوشتار برآنیم تا با روش توصیفی-تطبیقی به نقش مبانی قرآنی تحول در علوم انسانی بپردازیم. از یافته های پژوهش می توان به امکان پذیر بودن تولید علوم انسانی اسلامی از رهگذر مبانی انسان شناسی، جامعیت و مرجعیت علمی قرآن کریم اشاره نمود.

واژگان کلیدی: مبانی قرآنی، علوم انسانی اسلامی، مصباح یزدی، مقام معظم رهبری، تحول

^۱. نویسنده مسئول

مقدمه

در علوم انسانی و در هر علمی، نظریه پردازی بر اساس مجموعه‌ای از مبانی صورت می‌گیرد که دستیابی به آنها مستلزم تتبعات بنیادین و استفاده از پژوهش‌های متفکران این عرصه است. مبانی از ماده «بنی» و غالباً به بنیاد، شالوده، بنیان، زیربنا، پایه و اساس هر چیز اطلاق می‌گردد (دهخدا، ۱۳۷۷) که معادل قاعده و اصل در زبان عربی (طریحی، ۱۳۸۷، ۱۲۹) و *tenet, foundation, principle, base* در فرهنگ انگلیسی است. در این پژوهش مراد از مبنا، گزاره‌هایی توصیفی (خبری) است که یا بدیهی بوده و یا در سایر علوم اثبات می‌شوند و به شکلی بر علوم انسانی اسلامی، تقدمی منطقی داشته و کاربرد آن در بررسی مسائل علوم انسانی اسلامی است. بنابراین، مبانی غالباً از دانش‌ها و علوم اخذ می‌شوند که بر علوم انسانی اسلامی به گونه‌ای تقدم منطقی دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ۲۴-۲۵). علوم انسانی (Human Sciences) نیز که در مقابل ریاضی و علوم طبیعی قرار دارد، شامل مجموعه علمی است که شناخت انسان، تبیین، توصیف و تفسیر پدیده‌های اجتماعی (با توجه به انسانی بودن آنها، نه از جهت زیستی و فیزیکی) و فردی و جهت‌دهی به انفعالات و افعال انسانی می‌پردازند. پیرامون علوم انسانی اسلامی نیز باید گفت: این علوم اگر در مبانی، منابع و اهداف، موافق با اسلام باشند، اسلامی هستند (همان، ۲۳-۲۴). لذا از راهکارهای کلیدی اسلامی سازی علوم انسانی و تولید این علوم، تبیین مبانی آن است. در ارتباط با پیشینه عام پژوهش می‌توان به کتاب «مبانی علوم انسانی اسلامی» (۱۳۹۳) آقای احمدحسین شریفی اشاره نمود که با رویکردی فلسفی به بررسی مبانی پرداخته است. «مبانی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی» (۱۳۹۷) نیز، مبانی فلسفی را بحث کرده است. همچنین در رابطه با پیشینه خاص نیز می‌توان به کتاب «مبانی علوم انسانی از منظر قرآن کریم» (۱۳۹۸) آقای رضا لک‌زایی اشاره نمود. مقالاتی نیز در کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی ارائه شده که آقای دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی تمام آنها را در کتاب «مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی» (۱۳۹۶) جمع‌آوری نموده است. البته باید گفت کتب انبوه دیگری مانند کتب استاد خسروپناه، پارسایا و... و مقالات زیاد دیگری پیرامون این موضوع نگاشته شده، اما هیچکدام مبانی

قرآنی تحول در علوم انسانی را به صورت تطبیقی در کلام مقام معظم رهبری و علامه مصباح (ره) با رویکرد قرآنی بحث نکرده اند. این مطلب، نوآوری مسأله پژوهش را مضاعف می سازد. لذا هدف این پژوهش آن است که با روش توصیفی-تطبیقی و با رویکرد قرآنی، مبانی تحول در علوم انسانی را از دیدگاه مقام معظم رهبری و علامه مصباح (ره) بررسی و تحلیل نماید. البته باید گفت با توجه به اینکه مبانی به علوم دیگر ارتباط دارند، مسلماً لازم نیست در این نوشتار به صورت تفصیلی به تبیین و اثبات آنها پرداخته شود و برای اطلاع تفصیلی به مبانی باید به منابع مربوط مراجعه نمود.

بخش اول: مبانی؛ رهگذری برای اسلامی سازی علوم انسانی

اهتمام به آموزه های قرآن کریم و ابتناء نظریه های پیرامون علوم انسانی بر قرآن، بسیار ضروری است. مقام معظم رهبری در دیدار با بانوان قرآن پژوه می فرماید: علوم انسانی موجود را ما به صورت ترجمه ای و بدون هیچ فکر تحقیقی اسلامی، در دانشگاه های خودمان می آوریم و اینها را در بخش های مختلف تعلیم می دهیم، در صورتی که اساس، پایه و ریشه علوم انسانی را باید در قرآن جستجو کرد که یکی از بخش های اساسی پژوهش قرآنی این است. در زمینه های گوناگون باید به دقایق و نکات قرآن توجه نمود و در قرآن کریم، مبانی علوم انسانی را جستجو کرد. این کاری بسیار مهم و اساسی است. در این صورت است که پژوهندگان، متفکران و صاحب نظران در علوم مختلف انسانی قادر خواهند بود بر این اساس و پایه، بناهای رفیعی را بسازند (بروجردی، ۱۳۸۹، ۶۷).

علامه مصباح نیز اولین گام را پیرامون اسلامی سازی علوم، استخراج بنیادهای نظری اسلام و مبانی آن و تعویض آن با بنیادها و مبانی سکولار علوم انسانی می داند. از دیدگاه ایشان، اساسی ترین این مبانی، انسان شناسی، هستی شناسی و معرفت شناسی است. ایشان می فرماید: درحقیقت از بنیادی ترین و اساسی ترین نقطه ها یعنی معرفت شناسی باید آغاز کنیم و پس از آن، هستی شناسی - انسان شناسی و علوم انسانی مطرح گردد. به بیان دیگر، باید با معرفت شناسی، اسلام شناسی صحیح و

18

عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷-۱۸). از موسی بن جعفر (ع) نیز نقل شده که خداوند متعال با چنین آیاتی به اهل فهم و عقل بشارت داده است (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ۲۰۶/ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۱۳). قبول بی چون و چرای علوم که از سستی عقل ناشی می شود، رهاوردی غیر از ناآگاهی و استثمار فکری ندارد. امام علی (ع) نیز آن را طریقی برای نشانه گیری تیرانداز و صیدی برای صیاد و لقمه ای برای خوردن می داند (نهج البلاغه، ۱۴۳۴ق، خطبه ۱۴/ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ۵۴۲).

علامه مصباح نیز مانند مقام معظم رهبری به پالایش مبانی توحیدی علوم انسانی و جایگزینی آن با مبانی توحیدی تأکید نموده و معتقد است: مراد از اسلامی سازی علوم انسانی، این است که در وهله اول، مبانی علوم اثبات گردد و علوم، طبق مبانی صحیح بیان شوند تا بعد از آن رابطه مبانی با مسائل علوم روشن شود. در حقیقت مبانی صحیح، اصول موافق با قرآن هستند و نقل و عقل در اینجا با هم توافق کاملی دارند. پس از آنکه جایگاه مهم عقل در معرفت شناسی بیان شد و معلوم گردید که تمام اشیاء، منحصر در معرفت های حسی نیست، چنین مطالب و اصولی را باید اثبات نمود. همچنین بایسته است که وجود روحی را که قادر به باقی ماندن مستقل از بدن است، پذیرفته شود. شاکله عوالم مافوق این عالم جسمانی و تمام اعتقادات به معاد، وجود روح است (مصباح یزدی، سخنرانی در کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۱/۰۲/۳۱).

بخش سوم: ضرورت انسان شناختی

انسان شناسی، یک مجموعه معرفتی است که بعد یا ابعادی از وجود آدمیان یا گروه خاصی از آنها را بررسی می نماید. بی شک بدون شناخت انسان، هیچ علم انسانی حاصل نمی شود (مصباح، ۱۳۹۰، ۱۲۱). پژوهش فارق از تقسیمات انسان شناسی به صورت کلی و جزئی از دو نگاه امانیسم و اگزیستانسیالیسم به انسان می نگرد که وجه غالب انسان شناسی را در علوم انسانی مدرن شامل می شود. در واقع، امانیسم که در فلسفه کانت ریشه دارد، انسان را پدیده ای مادی تلقی نموده و به شکل تجربی شناخت انسان را مورد بررسی قرار می دهد. در انسان شناسی، امانیسم، غالباً متکی بر

واقعیت خارجی است، تا به حقیقت انسان. بنابراین، یک انسان خودبنیاد، ارضا کننده تمایلات مادی خویش است، اما در مشخصه اگزیستانسیالیسم، انسان، بدون ماهیت متولد می‌شود. به این معنا که ابتدا انسان متولد شده و سپس با انتخاب خویش، طبیعت و هویت خویش را شکل می‌دهد. بنابراین انسان چون هویت ندارد، قابل تعریف نیست. کمال انسان در آزادی و اختیار او بوده و هر چه انسان آزادتر باشد، به کمال خویش نزدیک‌تر است (مرادی، جعفر، ۱۳۸۴، ۶).

الف) تأکید بر دو ساحتی بودن انسان

علامه مصباح معتقد است که مبانی انسان‌شناختی غرب بر پایه ساحت مادی انسان بوده و انسان را صرفاً بعد مادی او می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۱۴-۱۶).

مقام معظم رهبری پیرامون انسان‌شناسی اسلام و غرب می‌فرماید: اسلام انسان را دوساحتی دانسته که دارای دنیا و آخرت است. این دوساحتی بودن او از آفرینش دوبعدی انسان ناشی می‌گردد. همچنین آیاتی از قرآن که اشاره به دمیدن روح در کالبد خاکی انسان می‌نمایند، این حقیقت را بیان می‌نمایند «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ» «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، ۲۸-۲۹) و «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ» «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص، ۷۲-۷۱)؛ (بروجردی، ۱۳۸۹، ۲۹). آثار مترتب‌شده از نفخ روح در کالبد انسان، سبب تمایز او از موجودات دیگر جهان و تعالی قوه نفس و تعقل و روح او می‌شود؛ زیرا انسان باید در زمین خلیفه شود (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ۲۶-۳۰).

در انسان‌شناسی غربی با اندیشمندانی نظیر نیچه، ژیلسون، کانت و ... روبه‌رو می‌شویم. انسان‌شناسی کانت غالباً بر روی رفتارهای انسانی و طبیعت با قابلیت آزمایش و تجربه تأکید می‌کند، به صورتی که بتوان از آن، تری علمی را استخراج نمود (روحانی راوری، ۱۳۹۰؛ مجله متافیزیک). به صورت عملی نیچه خبر (خدا مرده است) را در دوره مدرن اعلام می‌نماید (زمیران، ۱۳۸۴، ۱۴-۱۶) و

فوق باخ که بر این باور است انسان خدا را به صورت خویش آفرید، یعنی خداوند فقط صورت آرمانی انسان از یک انسان نیست. این حداکثر دید مدرن از انسان است (عاشوری، ۱۳۷۵، ۷).

انسان مدرن بر فاعلیت، خودمختاری و سوژگی انسان تحت عنوان موجودی جهان‌شناس و خودشناس تأکید نموده و از عقلی علیحده بهره‌مند است. او بر فراز طبیعت و جهان ایستاده و بر آن نظر می‌کند. جابه‌جایی محور هستی در انسان، از خداوند متعال به انسان است که با خلق انسان، خداوند به صورت خویش یا مرگ خدا تبدیل گشته است. چنین نگاهی است که انسان ماکیاولیستی و هابزی را بر مقدمات خویش و جهان حاکم می‌کند تا به جهت مهار آن سالها از راه زور و قرارداد در پی تأسیس سازوکار حکومت‌های ساخته دست بشری باشد.

ب) معرفت بر مکانت حقیقی انسان در قرآن

یکی از نکات حائز اهمیت در علوم انسانی قرآن‌بنیان و از مقاربت‌های دیدگاه مقام معظم رهبری و علامه مصباح (ره)، معرفت بر جایگاه حقیقی انسان و دستیابی به هدف او در آفرینش و دستورالعمل‌های مناسب برای وصول به آن است، نه اینکه با تفکر محدودی که در شناخت انسان توانایی ندارد، برای او هدف‌سازی صورت گیرد.

مقام معظم رهبری انسان‌سازی را از اهداف انقلاب اسلامی بر شمرده و می‌فرماید: در صورتی که انقلاب اسلامی انسان‌سازی ننماید، هیچ کاری نکرده است. چنین معنایی واضح است و به استدلال نیازی ندارد. دنیایی که از انسان صالح خالی باشد، پدیده‌ای کور، تاریک و بی‌جان است. چیزی که به جهان خاکی جان بخشیده و ارزش می‌دهد، نور و مضمون و معنا به وجود می‌آورد، انسان است (عبدالاحدی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۶).

علامه مصباح (ره) نیز پیرامون انسان‌سازی در علوم انسانی می‌فرماید: انسان، موضوع علوم انسانی بوده و علوم انسانی دستوری مانند سیاست، اقتصاد عملی، اخلاق و ... غالباً صبغه ارزشی دارند و قضاوت نهایی پیرامون چنین احکام ارزشی بر شناخت انسان با همه ابعاد وجودی او مبتنی است، در

حالیکه علوم تجربی، قادر به اثبات و بررسی بیش از بعد مادی انسان نیست؛ در صورتی که حقیقت انسان صرفاً جسم مادی او قلمداد شود که عمر محدودی دارد، ارزش‌های حقوقی و اخلاقی او در همین بازه زندگی دنیوی تعریف و تبیین می‌شود و نمی‌توان ارزش‌های مطلق و کلی اخلاقی را برای او به اثبات رساند ولی اگر ثابت شود غیر از بدن مادی، انسان عنصر برتری به نام روح دارد که برخوردار از احکام مخصوص به خود است، حیاتی ابدی داشته و با جسم او در تعامل است، به صورتی که هم بدن در روح تأثیرگذار است و هم روح در جسم اثر می‌گذارد، نتیجه کاملاً متفاوت می‌گردد (مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ص ۳۸). طبق اندیشه اسلامی تمام آدمیان برخلاف آنکه از لحاظ جسمی، فرهنگی و زبانی، تفاوت‌های شاخصی با هم دارند، از یک سرشت مشترک برخوردار هستند. درحقیقت، تمام انسان‌ها فطرتی الهی داشته و اتفاق نظر تمام آنها در بعضی از احکام عقلی مانند محال بودن اجتماع نقیضین و برخی از ارزش‌های اخلاقی مثل بدی ظلم و خوبی عدالت و بعضی از تمایلات متعالی مانند فضیلت خواهی، کمال طلبی و حقیقت جویی را می‌توانیم از علائم وجود چنین سرشت مشترکی بدانیم (رجبی، محمود؛ انسان‌شناسی، ص ۱۲۴ و ۱۲۶). قرآن نیز صراحتاً توحید و خداخواهی را از ویژگی‌های انسان قلمداد نموده و می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَیِّمُ وَلَٰكِن أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰)؛ پس روی خویش را به آیین خاص خداوند متوجه کن؛ خداوند متعال انسان‌ها را بر این فطرت آفریده و در آفرینش الهی دگرگونی نیست. آئین پایدار خداوند این است، اما غالب مردم نمی‌دانند. با عنایت به این اشتراکات در میان انسان‌ها، می‌توان قسمی از مطالعات علوم انسانی را فرازمانی، فرامکانی، فراقومیتی و فرامنطقه‌ای دانست. در این صورت می‌توان از علوم سیاسی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی بین‌المللی سخن به میان آورد، هرچند برخوردار شدن انسان‌ها از فطرت و سرشتی مشترک، به معنای یکسان‌نگاری تمام قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آنها نیست؛ از این نظر انسان‌ها تفاوت‌های شاخصی دارند. به همین جهت، یک پژوهشگر علوم انسانی علاوه بر اطلاع از سرشت مشترک انسان‌ها، باید نسبت به عواملی که سبب تفاوت آنان می‌شود نیز اشراف کامل داشته باشد. عواملی مثل وراثت،

محیط، تغذیه، جنسیت، تربیت و مانند آنها از عوامل تفاوت‌زا محسوب می‌شوند (شریفی، ۱۳۹۴، ۳۲۷).

بخش چهارم: جامعیت قرآن کریم و استفاده از علوم انسانی قرآن‌بنیان

مقام معظم رهبری قرآن کریم را جایگزین مبانی لیبرال و سکولار غربی دانسته که این امر نمایانگر جامعیت قرآن و فرامکانی و فرازمانی بودن آن است. ایشان می‌فرماید: علوم انسانی که سیاست‌گذار کلان اجتماع بوده و شبیه هوای تنفسی است، از دو جهت به تعالی و تحوّل نیازمند است؛ از طرفی باید مبادی انحرافی و مادی خود را ترمیم کند و مبانی توحیدی و قرآنی را جایگزین آن نماید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸). و از طرف دیگر به همان صورت که قرآن کریم از نهالی مثال می‌زند که دائماً ثمربخش است، می‌فرماید: «تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (ابراهیم، ۲۵)؛ برای ثمره دائمی باید به دنبال تغییر و تحوّل، حرکت نماید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۱۲) تا ضمن ترمیم مبادی غربی در نهضت علمی نیز پیشرو باشد (رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۶؛ ج ۱: ۳۱۹).

قرآن کریم مشتمل بر احکام و معارفی است که برای رفع احتیاجات هدایتی و تأمین نمودن سعادت اخروی و دنیوی انسان تا روز قیامت کفایت می‌نماید. لذا خداوند می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل، ۸۹)؛ ای پیامبر (ص)، بر تو قرآن کریم را نازل کردیم، در حالیکه بیان‌کننده و تبیان هر چیز است و رحمت و هدایت و بشارت برای مسلمانان است. امام صادق (ع) در حدیثی گرانسنگ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّىٰ لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ كَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ۵۹)؛ قطعاً که خداوند متعال در قرآن کریم، بیان هر شیئی را نازل نموده است، حتی از چیزی که بندگان او به آن محتاجند، فروگذار نکرده و هیچ بنده‌ای قادر نخواهد بود که بگوید اگر فلان چیز در قرآن کریم می‌بود، غیر از اینکه خداوند متعال آن را در قرآن نازل نموده است. توجه به آیه و حدیث مذکور، حکایت از

جامع بودن قرآن کریم پیرامون تمام مسائلی است که در جهت تأمین نمودن سعادت دنیوی و اخروی بشر مورد نیاز است، اما باید عنایت نمود که قرآن کریم کتاب انسان‌سازی و هدایت است و شامل تمام مسائل مورد نیاز هدایتی بشر است و انتظار حل مسائل علمی مانند فیزیک و ریاضی از قرآن کریم نمی‌رود، بلکه قرآن کریم، حلال و حرام، احکام و قصص و معارفی را شامل می‌شود که راهگشای هدایت انسان و تأمین‌کننده سعادت او به سمت قله‌های کمال و نیل به مقام انسانیت است؛ به این معنا که قرآن کریم، بر راهکارهای کنترل انسانیت است. تاریخ ثابت نموده، افرادی که این روابط را در ذیل ارشاد انبیاء علیهم‌السلام بر مدار هدایت خداوند استوار نموده‌اند، با خروج از تاریکی ضلالت و رهنمون شدن به صراط مستقیم، به جایی رسیده‌اند که مانند همسر فرعون از کاخ مجلل مصر و حیات با فرعون چشم‌پوشی نموده و مشتاقانه از خداوند می‌خواهند که «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم، ۱۱)؛ پروردگارا، خانه‌ای را در نزد خودت برای من در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عمل او رهایی بخش و از این قوم ظالم مرا نجات بده. افرادی که این روابط خویش را با زاویه گرفتن از ارشادات انبیاء و دستورات خداوند بر محور هواهای نفسانی خویش استوار نمودند، به سرنوشت قوم ثمود و عاد گرفتار شدند و تمدن و صنعت مایه هلاکت آنها گردید.

در عصر کنونی مرجع علمی نیرومندی که قادر باشد هدایت دانش را در جهت مقتضیات سعادت و فطرت انسانی تأمین نماید و جامع جهانی و جاودان نیز باشد، به غیر از قرآن وجود ندارد.

علامه مصباح نیز پیرامون جامعیت قرآن کریم معتقد است: با توجه با آیه «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹) و آیه «لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام، ۵۹) و احادیثی مانند «إِنَّ أَلَّةَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَخْتِاجُ إِلَيْهِ أَلَمَةً إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵ش؛ ج ۱، ۵۹)، موارد جزئی هر مقوله‌ای در قرآن کریم ذکر گردیده است، هرچند که خارج از دسترس ما بوده و فقط اهل بیت (ع) می‌توانند این مطالب را از بطن قرآن کریم استخراج کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱ش؛ ج ۲، ۲۹۰). ایشان پیرامون استخراج قوانین علوم انسانی از قرآن می‌نویسد: در علوم انسانی قوانینی وجود دارد که اگر ۲۰۰ سال دانشمندان نیز بر روی آن با دقت کار کنند، قادر

نخواهند بود با صراحتی که در قرآن کریم بیان گردیده، آنها را استخراج نمایند. باید مراقب باشیم پیرامون مسائلی که در دست ما به صورت رایگان قرار گرفته است، ناشکری ننمائیم. ناشکری پیرامون مسائل چنین است که بگوئیم معلوم نیستند (دبیرخانه همایش مبانی فلسفی علوم انسانی، جستارهایی در فلسفه علوم انسانی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، (۷).

بخش پنجم: جلوگیری از تحمیل دیدگاه‌های علمی بر قرآن کریم

مقام معظم رهبری می‌فرماید: در کیفیت استفاده از قرآن کریم، روشی که فقها و علمای دین ما در استفاده از آیات قرآن و روایات دارند، شیوه‌ای تجربه‌شده است. درحقیقت، یک متد علمی رسیده، پخته‌شده و کاملاً آزموده شده است که باید آنها را فراگرفت. نمی‌خواهم بگویم کسی که می‌خواهد پژوهش‌های قرآنی انجام دهد، سالها برود درس طلبگی بخواند. مراد بنده این نیست، اما پژوهش‌های قرآنی بدون اینکه انسان مبادی و مقدمات فهم قرآن کریم را مانند آشنایی با دقائق و نکات زبان، آشنایی با زبان، آشنایی با برخی مبانی اصول فقه و ... اینها را باید فهمید و استخدام روایاتی که در ذیل قرآن کریم است؛ همه اینها در پژوهش‌های قرآنی تأثیرگذار است (بیانات رهبری در دیدار با بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸).

علامه مصباح نیز پیرامون این مطلب می‌فرماید: بعضی که آشنایی وافیه با قرآن کریم نداشته یا موج‌هایی از فرهنگ بیگانه آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بدون دلیل و حجت تلاش نموده‌اند تا انبوهی از مسائل علمی را از آیات قرآن کریم کمک بگیرند و یا ادعا نموده‌اند که تمام اشیاء را می‌توان از قرآن کریم استخراج نمود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ۲۲۶). از طرفی برخی پیرامون ارتباط قرآن و علوم انسانی بر این باورند که روش قرآن کریم، استقرایی بوده و روش علم به صورت تجربی است؛ لذا، روش قرآن کریم و علم را یکی دانسته‌اند. علامه مصباح پیرامون این دیدگاه می‌فرماید: بعضی نیز متأثر از فرهنگ غربی، بر این باورند که قرآن کریم مردم را به شناخت طبیعت و علوم طبیعی دعوت می‌نماید و به‌وسیله آن خواهان جامعه انسانی مترقی و دارای تکامل تکنیکی و علمی است. همچنین بر این باورند که اسلوب‌های قیاسی، میراثی از فرهنگ یونانی

است که قرآن کریم با آن مبارزه نموده است؛ زیرا روش قرآن کریم استقرایی بوده و بر مطالعه طبیعت به صورت گسترده تحریض می‌نماید و این مطالعه صرفاً با روش استقرایی و تجربی امکان‌پذیر است (مصباح یزدی، همان). برخی دیگر پیرامون ارتباط قرآن کریم و علم اعتقاد دارند که روش قرآن کریم، تحقیقی و تحصلی است. لذا برای استفاده بهینه از روش قرآن کریم، لازم است که از فلسفه پوزیتیویسم تبعیت نماییم (مصباح یزدی، همان).

• نقد

علامه مصباح با مردود دانستن چنین دیدگاهی بر این باور است که تمام علوم انسانی براساس معتقدات و ارزش‌هایی است که چنین پایه‌هایی با دین نسبت دارد. ایشان در این خصوص می‌فرماید: مسائل مطرح شده امروز در علوم انسانی، دو گروه را شامل می‌شود: یک نوع از آنها مسائلی است که با ارزش‌های دینی و اعتقادات همخوانی دارد ولی برخی از آنها با اعتقادات ناسازگار است. درباره روش‌ها نیز چنین است؛ یعنی برخی با معتقدات دینی همخوانی داشته و برخی با آموزه‌های دینی ناسازگار است (قریشی‌نسب؛ ۱۳۹۱، مقاله روند اسلامی سازی علوم انسانی از منظر علامه مصباح یزدی).

بخش ششم: دین‌شناختی

الف) تبیین نسبت علم و دین

مقام معظم رهبری می‌فرماید: پیرامون نسبت علم و دین و معنای آن که همه شاخه‌های فنی و علوم انسانی را شامل می‌شود، غالب نظریات بر همدلی، تضاد و افتراق ذاتی بنا گردیده است ولی دانشمندان غفلت نموده‌اند که وقتی چیزی واقع می‌شود، دیگر بحث نمودن از امتناع و امکان آن، امری بیهوده بوده و ادلّ دلیل بر امکان شیء، وقوع آن است؛ زیرا پیرامون نسبت دین و علم، ظهور و وقوع خارجی علم دینی و تربیت اندیشمندان دینی که عمل خویش را در راستای خدمت به دین قرار داده‌اند، نمایانگر وجود علم دینی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۹/۰۱). اسلام اساساً علم را

نوری دانسته که خداوند متعال آن را به قلب بندگان برگزیده می‌افکند و بنابر منطقی که قرآن کریم مطرح نموده است، صحبت از اینکه آیا ما علم دینی داریم یا خیر، و اینکه چه ارتباطی میان علم و دین دیده می‌شود، سخنی گزافه است؛ زیرا یقیناً علم از دین متأثر بوده و از دل آن بیرون می‌زند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۷/۰۹). ایشان همچنین در دیدار با اعضای کنگره اخلاق پزشکی با مطرح نمودن دیدگاه القای بی‌ربطی دین با علم توسط برخی می‌فرماید: از زمانی که علم از دین جدا شد، - یعنی در رشد بدیع علم در دو قرن اخیر - این چنین وانمود گردید که دنیای علم از دنیای دین، معنویت و اخلاق جداست! دین و علم را در دو صحنه جداگانه و دو منطقه وارد کردند. اینگونه تلقی شد که چه بسا یک فرد عالم، متدین نیز باشد، ولی دین او به علمش ربطی ندارد! علمش برای کار و به جهت حل یک مشکل و دین او برای رفع مشکل دیگری است و علم و دین با هم رابطه‌ای ندارد! وقتی چنین تلقی و برداشتی از علم و دین و ارتباط این دو با هم وجود داشته باشد، بدیهی است که تدریجاً دین حضور ضعیفی در منطقه علم داشته و نهایتاً مفقود خواهد شد. کما اینکه شاهد بودیم در انبوهی از مکان‌های دنیا مفقود گردید؛ در حالیکه این تلقی از ارتباط دین و علم اصلاً غلط است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای کنگره اخلاق پزشکی، ۱۳۷۲/۰۴/۲۱).

علامه مصباح نیز پیرامون نسبت علم و دین، سؤالاتی را مطرح نموده و قلمرو خاص هر کدام را مشخص می‌نماید؛ به بیان دیگر، ایشان ارتباط میان قلمرو علم و دین را، عموم و خصوص من وجه می‌داند؛ به این معنا که برخی مسائل، علاوه بر اینکه مربوط به علم است، به دین نیز ارتباط دارد و برخی دیگر صرفاً به علم وابسته بوده و ارتباطی با دین ندارد. همچنین برخی مسائل به دین ارتباط دارد ولی با علم، ارتباطی ندارد (سخنرانی علامه مصباح ۹۱/۰۱/۲۴). ارتباط قرآن و علم نیز به همین شیوه است. علامه مصباح پیرامون مخرج مشترک قرآن و علم می‌فرماید: باید تلاش کنیم قرآن کریم را با همان شیوه‌ای که خود قرآن تعلیم نموده، تفسیر نماییم. اگر مفاد یک آیه براساس اصول محاوره، منطبق بر نظریه‌ای (علمی، فلسفی و ...) بود، چه بهتر (...). در غیر این صورت نباید در تطبیق نمودن با دیدگاه مورد قبول عصر خویش تلاش نماییم، بلکه به هر میزان که مطابقتی به

صورت صریح از قرآن کریم فهمیده شود، قبول کنیم و نسبت به فراسوی آن سکوت نماییم. ایشان پیرامون افتراق ارتباط قرآن و علم می‌نویسد: لازم نیست قرآن کریم حتماً پیرامون یک مسأله علمی نظر داده باشد؛ زیرا این کتاب الهی در جایگاه و درصدد حل مسائل علمی نیست؛ هرچند تمام آنچه فرموده باشد، حقیقت است. در صورتی که به نکته علمی اشاره کند و لفظ قرآن کریم بر آن دلالت نماید، حق بوده و جای هیچ حرفی را باقی نمی‌گذارد، هرچند هزاران عالم مخالف آن نظر بدهند، اما جای سخن اینجاست که از آیات قرآن کریم، چیزی تراوش نمی‌کند و نباید آراء را بدون جهت بر آن تحمیل نمود؛ حتی اگر تمام دانشمندان و فلاسفه بر آن دیدگاه، اتفاق نظر داشته باشند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ۲۲۷).

علامه مصباح همچنین می‌نویسد: دین با ارائه اصول موضوعه و مبادی تصدیقی خاصی که با جهان‌بینی الهی متناسب است، در نظریه‌های علوم تأثیر می‌گذارد؛ برای نمونه، دانشمندی که به تدبیر حکیمانه خداوند معتقد است و اعتقاد به ماوراء طبیعت، جهان غیب، حیات ابدی، روح مجرد و مختار بودن انسان دارد، نظریه‌های جبرگرایانه و ماتریالیستی را در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و سایر علوم انسانی قبول نمی‌کند و به جای آن دیدگاه‌هایی که با انسان‌شناسی دینی و جهان‌بینی الهی موافق هستند را برمی‌گزیند. از طرف دیگر، چنین علومی که اصول موضوعه خویش را از فلسفه دریافت می‌کنند، به نوبه خود قواعد و اصولی را در اختیار فنون کاربردی و علوم قرار می‌دهند؛ به صورتی که قواعد جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، مورد استفاده مدیریت و علوم تربیتی قرار می‌گیرد (مصباح یزدی، تبیین مفهوم مدیریت اسلامی در معرفت، شماره ۱۷، ص ۱۴).

ب) واقع‌نما و قابل فهم بودن قرآن کریم

علامه مصباح زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته و بر این باور است که در برخی از اوقات زبان عرفی، معنای عامی را در برمی‌گیرد که شامل تشبیه، کنایه، تمثیل، استعاره و رمز است؛ یعنی زبانی که عاقلان در محاوره‌های خویش آن را استعمال می‌نمایند که شامل انواع اسلوب‌های گفتاری است و می‌توان زبان قرآن کریم را زبان عرفی نامید ولی اگر مراد از زبان عرفی، استعمال لفظ در

معنای حقیقی و اجتناب از هر نوع تشبیه، کنایه، استعاره، مجاز و ... باشد، زبان قرآن را نمی‌توان زبان عرفی نامید (مصباح یزدی، بی‌تا، مجله معرفت، میزگرد زبان دین، شماره ۱۹، ۱۱۵).

• نقد

الف) البته باید گفت که زبان عرف عام با قرآن کریم تفاوت‌های زیادی دارد. برای نمونه، تسامح در زبان قرآن کریم دیده نمی‌شود و خدای متعال، حکیمانه و دقیق سخن می‌گوید ولی زبان عرف عام چنین نیست. علامه طباطبایی (ره) پیرامون این مطلب می‌فرماید: مسامحه در کلام عرف دیده می‌شود ولی در زبان عرف چنین نیست (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۵، ۴۱۷-۴۱۸).

ب) در قرآن کریم، صنایع ادبی استعمال شده که بلاغت و فصاحت آن را به اوج رسانده ولی زبان عرف عام چنین نیست.

ج) قرآن کریم اصطلاحات خاصی مانند منافق، کافر، زکات و ... دارد که زبان عرف خاصی را پدید آورده است ولی زبان عرف عام چنین نیست.

د) روش تفسیر و فهم قرآن از قواعد و مبانی ویژه خود تبعیت می‌نماید، اما می‌توان زبان عرف عام را با اصول محاوره عرفی و عقلایی تفسیر و فهم نمود که مرحوم علامه طباطبایی نیز بر این مطلب تأکید می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ۷۸).

ه) روش تعلیم قرآن کریم تا حدودی با روش‌های معمولی تفاوت دارد. آیت‌الله معرفت (ره) نیز مانند علامه مصباح (ره) تصریح نموده که زبان قرآن همان زبان عرف عام است (معرفت، بی‌تا، علوم قرآنی، ص ۳۸) اما ایشان معتقد است که قرآن در افاده تعالیم عالیه خویش، طریقه و روش مخصوص به خود را دارد. قرآن کریم در بیانات کافیه و شافیه خویش، روشی سوای از روش‌های معمولی را اتخاذ نموده که انسانها در مقام محاوره اتخاذ می‌نمایند (معرفت، بی‌تا، مجله بینات، شماره ۱، ۵۴/ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۵؛ ج ۴، ۳۰۱).

بخش هفتم: روش شناختی

الف) اسلامی سازی دانشگاه‌ها

یکی از قربات‌های دیدگاه مقام معظم رهبری و علامه مصباح (ره)، دانشگاه اسلامی است. مقام معظم رهبری با ابراز ناراحتی از تعارض علوم انسانی با آموزه‌های قرآنی و دینی در دانشگاه‌ها می‌فرماید: من پیرامون علوم انسانی از مجموعه‌های دانشگاهی گلایه‌ای کردم. بارها؛ این اواخر نیز همین جور. علوم انسانی ما بر مبانی و مبادی متعارض با مبانی اسلامی و قرآنی بنا شده است. علوم انسانی غرب بر جهان‌بینی دیگری مبتنی است؛ بر فهم دیگری از عالم آفرینش مبتنی است و بر نگاه مادی مبتنی است. خب، چنین نگاهی، نگاهی غلط و مبنا نیز مبنای غلطی است (دیدار با بانوان قرآن پژوه کشور، ۸۸/۰۸/۲۷).

ایشان همچنین می‌فرماید: مبنا و پایه علوم انسانی مطرح شده در غرب، از جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و اقسام و انواع رشته‌های علوم انسانی براساس معرفتی غیردینی و ضددینی و نامعتبر از دیدگاه کسانی است که به توحید اسلامی و معرفت والا رسیده باشند

(www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۶۳).

علوم انسانی غرب براساس جهان‌بینی دیگری مبتنی بر فهم متفاوت از عالم آفرینش است و اکثراً مبتنی بر نگاه مادی است. باید در زمینه‌های مختلف به دقایق و نکات قرآن توجه نمود و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم پیدا و جستجو کرد (www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۲۵۹)

آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون وابستگی به نیازها می‌فرماید: علوم انسانی اهمیت دارد و علوم انسانی فعلی در کشور، بومی نیست؛ یعنی متعلق به ما نیست و به نیازهای ما ناظر نیست، به فلسفه ما متکی نیست، به معارف ما متکی نیست، اصلاً به مسائل دیگری ناظر است و مسائل ما را حل نمی‌نماید. دیگرانی طرح مسأله نمودند و برای خویش حل کردند؛ به غلط و درست آن نیز کار نداریم، اما

اصلاً از میان ما بیگانه است (www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۰۰۵۵) ایشان می‌فرماید: انبوهی از مسائل علوم انسانی بر فلسفه‌هایی مبتنی هستند که مبنای آن مادیگری است، مبنای آن حیوان پنداشتن انسان، عدم مسئولیت او در قبال خداوند و نداشتن نگاهی معنوی به جهان و انسان است (www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۷۹۵۹) اگر علوم سیاسی یا فلسفه یا اقتصادی یا مدیریت و سایر علوم انسانی بر نگرش مادی به دنیا، ابتناء داشته باشد و با ارزش‌های مادی پایه‌گذاری شده باشد، مسلماً نمی‌تواند آرمان‌های جامعه‌ای و خواسته‌ها را که مؤمن و مسلمان به معارف اسلامی هستند را برآورده نماید (www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۹۹۲۵)

علامه مصباح نیز معتقد است: یکی از مبانی عظیم در علوم انسانی، اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها است. درحقیقت، می‌توان گفت: انقلاب فرهنگی به مراتب از انقلاب سیاسی سخت‌تر است. تمام مسئولان اجرایی بر این مطلب واقفند که تغییر مواد درسی و عوض نمودن برنامه‌های درسی یک دانشکده، شرایط آموزشی، استاد، دستورالعمل‌های کمک آموزشی و ... چقدر زمان، بودجه و نیرو می‌طلبد؛ چه رسد به اینکه چنین تحوّل بخواهد در تمام دانشگاه‌های کشور انجام گیرد. اینکه چه کتبی تدریس شود، چند استاد برای تدریس چنین کتبی وجود دارد و چند کتاب مورد نیاز است، تمام این اساتید چه تحولات فکری را باید داشته باشند و باید این تحوّل چگونه پیدا شود و ... از مسائلی نیست که در زمان یکی دو روزه یا یکساله و دوساله رفع شود. در هر حال، اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها عملی بسیار پرهزینه، دشوار و محتاج زمان است. چنین کاری به اشخاص صبور، آگاه، باحوصله و افرادی که بر تحمّل مشکلات و سختی‌ها قادر هستند، نیاز دارد تا با مدیریت اجرایی و برنامه‌ریزی صحیح به انجام برسد (بیانات آیت‌الله مصباح در کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۳۱؛ -www.mesbahyazdi.ir/node/۳۷۲۸۵) (ftnl)

(ب) نظام‌سازی قرآنی

دین شامل مجموعه‌ای از حقایق، معارف، احکام و نظام‌هاست که از جانب خداوند متعال برای هدایت و رشد جامعه و انسان عرضه شده است. شناخت و معارف‌هایی پیرامون انسان (استمرار، قدر و ارتباط)، خدا (بی‌نیازی، احدیت، بی‌مانندی، نامحدودی، بخشندگی، زیبایی و همراهی و ...)، جهان (نظم و استحکام، زیبایی، زمان‌بندی، هدف‌داری)، تاریخ (قوانین و سنت‌ها) و جامعه (عوامل رکود، انحطاط و رشد). چنین معرفت‌هایی سبب پیدایش گرایش‌ها و عقاید در انسان می‌شود. عقیده، تلفیق و پیوند احساس و معرفت است. چنین معرفت‌هایی در ارتباط با عواطف و احساسات آدمی و در ارتباط با عشق، امید، ترس و طلب او، به عقیده راه یافته و با همدیگر گره می‌خورند و سبب ایمان و گرایش به انسان، وحی، عیب‌الله و یوم‌الآخر می‌گردد. این عقاید و معارف، این مقاصد و مبانی، سیستم‌ها را می‌سازند و نظام‌ها را شکل می‌دهند؛ نظام‌های فکری، تربیتی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی را به دنبال خود می‌آورند که هر یک از نظام‌ها، سبب زمینه‌سازی تحقق احکام و هنجارها و ناهنجارهای خاص خود می‌باشد (پورسیدآقای، ۱۳۸۹، ۲۲). این مطلب درحقیقت همان نقطه ضعف علوم انسانی بوده که از عقل محض و تجربیات گرفته شده است.

مقام معظم رهبری معتقد است: سبب ناکارآمدی علوم انسانی غربی برخلاف بعضی از موفقیت‌ها، عدم دو منبع جاودانه و عظیم قرآن و سنت است که علوم انسانی تولیدی براساس این دو منبع شگرف، روح حاکم بر مناسبات اجتماع، مدیریت و نظام‌سازی را به دنبال دارد. لذا همه نظام‌سازی‌هایی که دین اسلام مطرح نموده، در راستای وصول انسان به تعالی بوده است. با این بعد انسان‌شناختی، انسانها قادر خواهند بود که مدیریت و تدبیر زندگی خود و دیگران را داشته باشند و در راه رسیدن به قرب خداوند و شکوفا نمودن استعدادهای انسانی و رویدادهای وجودی خویش به سرمنزل مقصود رهنمون گردند. به همت امام خمینی (ره)، تجربه انقلاب اسلامی توسط نظام‌سازی قرآنی استقرار یافت و شکل گرفت و از دغدغه‌های اساسی و مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای این است که، دوام، صیانت و ادامه نظام جمهوری اسلامی توسط نظام‌سازی امکان‌پذیر است (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹). براساس چنین ضرورتی در راستای تحول در علوم

انسانی، حداقل وظیفه‌نخبگان قرآنی و فرهیختگان و برنامه‌ریزان کشور، تدوین الگوی جامع نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، دفاعی، امنیتی، حقوقی و ... است که در سطوح اجرایی به کار آید (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ۹۷۴).

علامه مصباح می‌فرماید: طبیعتاً علمی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌گردد، در دو بخش علوم انسانی و طبیعی است که علوم طبیعی کم‌خطرتر است و مستقیماً نمی‌تواند در جهت استحاله فرهنگی نقش آفرین باشد، ولی آنچه خطرناک است علوم انسانی است که مستقیماً در تغییر فرهنگ‌ها نقش ایفا می‌کند. ایشان با اشاره به اینکه تمام علوم انسانی ناآگاهانه یا آگاهانه بر فلسفه‌های خاص مبتنی هستند و تضاد میان نظریات علوم انسانی را اختلاف فلسفه‌ها تشکیل می‌دهد، می‌فرماید: برای نمونه، انسانی که فلسفه پوچ‌گرایی را پذیرفته، به ارزش‌های انسانی بهایی نمی‌دهد و برای لذت‌ها در جهت رسیدن به فرصت‌ها برمی‌آید؛ همچنین انسانی که فلسفه ماتریالیستی را پذیرفته، بهایی برای ارزش‌های ماورایی قائل نیست. ایشان با اشاره به این مطلب که فلسفه‌های الهی، بسترهای مناسبی برای رشد ارزش‌های الهی و اسلامی هستند، می‌فرماید: با عنایت به این تحلیل باید توجه خویش را بر عرضه فلسفه‌های صحیح بگذاریم؛ زیرا زیرساخت شخصیت فرهنگی، فکری و علمی انسانها را تشکیل می‌دهد. همچنین ایشان می‌فرماید: اگرچه مسائل انتزاعی، فلسفی و دور از حیات انسانها جلوه می‌نماید، اما زیرساخت حیات انسان را تشکیل می‌دهند و سعی در این جهت به طرق مختلف، مانند همکاری دانشگاه‌ها در زمینه رشته فلسفه، تبادل دانشجو و استاد در این جهت، ایجاد مجلات، نشریات و کتاب‌هایی که قادر باشند افکار را برای دیگران روشن نماید، امکان‌پذیر است (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، تاریخ انتشار ۱۳۹۰/۰۳/۰۷، www.hawzah.net رضایی اصفهانی، ۱۳۹۸، ۲۷۳).

نتیجه‌گیری

۱- از دیدگاه مقام معظم رهبری مبنای علوم انسانی اسلامی را باید در قرآن کریم جست و جو کرد. جامعیت قرآن کریم، پاسخگو بودن قرآن در مسائل جدید موضوعات مختلف و مرجعیت

علمی قرآن کریم زیرساخت مناسبی برای تبیین مبانی قرآنی علوم انسانی اسلامی در حیطه قرآن کریم و علوم از منظر ایشان فراهم نموده است. از دیدگاه علامه مصباح (ره) قرآن کریم غالباً کلیات و اصول علوم انسانی را مطرح نموده ولی مسائل جزئی تر، منوط به عقل انسان و مکان و زمان گردیده است.

۲- مقام معظم رهبری علوم انسانی موجود را ناسازگار با مبانی توحیدی دانسته و معتقد است قرن ۱۹ که اوج تحقیقات علمی در جهان غرب است، قرن جدایی و طرد دین از صحنه زندگی را شامل می شود؛ چنین تفکری در کشور ما نیز تأثیر گذاشت و شاکله اصلی دانشگاه ما براساس مبنای غیردینی گذاشته شد. علامه مصباح (ره) نیز اولین گام را پیرامون اسلامی سازی علوم، استخراج بنیادهای نظری اسلام و مبانی آن و تعویض آن با بنیادها و مبانی سکولار علوم انسانی می داند.

۳- مقام معظم رهبری معتقد است اسلام انسان را دوساحتی دانسته که دارای دنیا و آخرت است. این دوساحتی بودن او از آفرینش دوبعدی انسان ناشی می گردد. همچنین آیاتی از قرآن که اشاره به دمیدن روح در کالبد خاکی انسان می نمایند، این حقیقت را بیان می کند؛ علامه مصباح (ره) نیز بر این باور است که مبانی انسان شناسی غرب بر پایه ساحت مادی انسان بوده و انسان را صرفاً بعد مادی او می داند.

۴- مقام معظم رهبری پیرامون مبنای دین شناسی بر این باور است که اسلام اساساً علم را نوری دانسته که خداوند متعال آن را به قلب بندگان برگزیده می افکند و بنابر منطقی که قرآن کریم مطرح نموده، صحبت از اینکه آیا ما علم دینی داریم یا خیر، و اینکه چه ارتباطی میان علم و دین دیده می شود، سخنی گزافه است؛ زیرا یقیناً علم از دین متأثر بوده و از دل آن بیرون می زند. علامه مصباح (ره) نیز ارتباط میان قلمرو علم و دین را، عموم و خصوص من وجه می داند؛ به این معنا که برخی مسائل، علاوه بر اینکه مربوط به علم است، به دین نیز ارتباط دارد و برخی دیگر صرفاً به

علم وابسته بوده و ارتباطی با دین ندارد. همچنین برخی مسائل به دین ارتباط دارد ولی با علم، ارتباطی ندارد.

۵- مقام معظم رهبری با ابراز ناراحتی از تعارض علوم انسانی با آموزه‌های قرآنی و دینی در دانشگاه‌ها معتقد است که علوم انسانی ما بر مبنای و مبادی متعارض با مبانی اسلامی و قرآنی بنا شده و علوم انسانی غرب بر نگاه مادی مبتنی است. علامه مصباح (ره) نیز اعتقاد دارد که یکی از مبانی عظیم در علوم انسانی، اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها بوده و درحقیقت، می‌توان گفت: انقلاب فرهنگی به مراتب از انقلاب سیاسی سخت‌تر است.

منابع و مآخذ:

قرآن کریم

- ۱- بروجردی، ناصر، ۱۳۸۹ش؛ مطالبات مقام معظم رهبری در موضوع علوم انسانی، قم: مؤسسه فرهنگی سراج اندیشه اسلامی.
- ۲- پایگاه اینترنتی اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: (www.farsi.khamenei.ir).
- ۳- پورسیدآقای، سید محمود، ۱۳۸۹؛ دین و نظام‌سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری، قم: انتشارات لیلة‌القدر، چاپ اول.
- ۴- حرّعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق؛ وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- ۵- خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰؛ روش‌های علم؛ مروی بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون دانش و تولید علم، انتشارات دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷؛ لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۷- رجبی، محمود، ۱۳۸۰؛ انسان‌شناسی (مجموعه کتاب‌های آموزش از راه دور)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۸- رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۹۵؛ منطق تفسیر ۴، قم: انتشارات جامعه المصطفی‌العالمیة (ص)، چاپ سوم.
- ۹- -----، ۱۳۹۶؛ مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی، قم: انتشارات جامعه المصطفی‌العالمیة (ص).

۱۰- رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ جزائری، سیدحمید، ۱۳۹۷؛ درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات قرآن و علوم انسانی، قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه (ص)، چاپ دوم.

۱۱- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۸؛ دیدگاه متفکران معاصر قرآنی (جریان‌ها و نظریه‌ها)، قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه (ص)، چاپ سوم.

۱۲- رضایی، شاه چمن، ۱۳۹۶؛ مقاله رابطه اهداف قرآن با اهداف علوم انسانی، کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی.

۱۳- روحانی راوری، مرتضی؛ طالب‌زاده، حمیدزاده، ۱۳۹۰؛ مجله متافیزیک، زمستان و پائیز.

۱۴- ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۵؛ زبان دین و قرآن، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره)، چاپ دوم/ ساجدی، ابوالفضل؛ زبان دین و قرآن، ۱۳۹۸، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ سوم.

۱۵- سیدرضی، ۱۴۳۴ق؛ نهج البلاغه، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۱۶- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۴؛ مبانی علوم انسانی اسلامی، انتشارات آفتاب توسعه، چاپ دوم.

۱۷- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق؛ المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

-----، ۱۳۹۳ق؛ -----، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

-----، ۱۳۹۴ق؛ -----، بیروت: مؤسسه

الاعلمی.

۱۸- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۸۷؛ مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۱۹- عبدالاحدی مقدم، علی اکبر، ۱۳۹۱؛ راه مستقیم انقلاب، چاپ اول، قم: ولاء منتظر.
- ۲۰- عبدلی مسینان، مرضیه، ۱۳۹۹؛ مدل‌های روش شناختی تولید علوم انسانی اسلامی در پرتو حکمت و اجتهاد، قم: انتشارات نشر معارف، چاپ اول.
- ۲۱- قریشی نسب، سید طاها؛ ۱۳۹۱، مقاله روند اسلامی سازی علوم انسانی از منظر علامه مصباح یزدی، فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی صدرا، اردیبهشت ماه، سرویس حوزه، پایگاه ۵۹۸.
- ۲۲- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق؛ الکافی، چاپ اول، قم: دارالحديث للطباعة و النشر / ۱۳۶۵ش، تهران: دارالکتب الاسلامیه. / ۱۴۰۷ق، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۳- لک زایی، رضا، ۱۳۹۸؛ مبانی علوم انسانی از منظر قرآن کریم، قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه (ص)، چاپ دوم.
- ۲۴- معرفت، محمد هادی، بی تا؛ علوم قرآنی، قم: مؤسسه التمهید.
- ۲۵- -----، بی تا؛ مجله بینات شماره اول، مقاله زبان قرآن.
- ۲۶- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۵؛ تبیین مفهوم مدیریت اسلامی، مجله معرفت، شماره ۱۷.
- ۲۷- -----، ۱۳۷۷؛ خودشناسی برای خودسازی، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
- ۲۸- -----، ۱۳۸۱؛ قرآن شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۲۹- -----، سخنرانی در هشتمین همایش وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹/۰۹/۲۹. www.mesbahyazdi.ir

- ۳۰- -----، م. ت، سخنرانی. مصباح یزدی در جمع اساتید معارف دانشگاه‌های قم در تاریخ ۱۳۹۱/۰۱/۲۴، www.mesbahyazdi.ir.
- ۳۱- -----، سخنرانی در کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۱/۰۲/۳۱.
- ۳۲- -----، ۱۳۹۲؛ رابطه علم و دین، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۳- -----، ۱۳۸۴؛ معارف قرآن: خداشناسی، انسان‌شناسی، کیهان‌شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ پنجم، تابستان.
- ۳۴- -----، ۱۳۸۴؛ نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق احمدحسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۵- -----، بی‌تا؛ نظریه حقوقی اسلام، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۶- -----، بی‌تا؛ دبیرخانه همایش مبانی فلسفی علوم انسانی، جستارهایی در فلسفه اسلامی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح یزدی.
- ۳۷- -----، بی‌تا؛ میزگرد زبان دین، معرفت، شماره ۱۹.
- ۳۸- -----، ۱۳۹۱؛ پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، تحقیق و نگارش: غلامرضا متقی‌فر، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
- ۳۹- -----، ۱۳۹۱؛ الزامات طرح جامع تحوّل در علوم انسانی، پاسدار اسلام، سال ۳۱، شماره ۳۶۸. مرداد ماه.



۴۰- -----، ۱۳۹۷؛ مبانی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله مصباح
یزدی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

 دانشگاه فرهنگیان
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

 سندور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
رایج بر رشته و موضوع (مخصوصاً)

پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir
www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
 روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱
مدیر اجرایی همایش دکتر شهلا رضایی
دبیر علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲
 دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 (در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله با جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Index (University of California-San Francisco)
  MENDELEY
PBIN.com
Sponsored And Indexed
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information Database
  DRJI
Directory of Research Journals Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science